

مطالعه و بررسی مقدماتی قیزلار قلعه‌سی مراغه (شمال غرب ایران)

سعید ستارنژاد (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

saeidsattarnejad@yahoo.com

حسین علیزاده

استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

محمد امجدی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

رضا فرشیدفر

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گرایش تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱)

چکیده

شهرستان مراغه به لحاظ مطالعات باستان‌شناختی، یکی از مناطقی است که در آن نیاز مبرمی به انجام بررسی‌ها و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی دیده می‌شود. در بسیاری از دوره‌های پیش‌ازتاریخی، تاریخی و حتی اسلامی این شهرستان مجهولات بسیاری وجود دارد که برای روشن نمودن آن‌ها، نیاز است که در کنار مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی‌های علمی میدانی و در صورت امکان کاوش‌های باستان‌شناسی نیز صورت پذیرد. اگرچه تاکنون مطالعاتی پیرامون تاریخ مراغه صورت گرفته، با این حال، مجهولات و پرسش‌های بسیاری از دوره‌های مختلف باقی مانده است. محوطه قیزلار قلعه‌سی یکی از محوطه‌های شاخص و کلیدی شهرستان مراغه (شمال غرب ایران) است که اطلاعات زیادی از دوره‌های مختلف فرهنگی منطقه در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. شاخص‌ترین آثار معماری موجود در این قلعه، مجموعه‌ای از استحکامات تدافعی است که در دوره‌های مختلف تاریخی دورتادور محوطه ساخته شده است و امروزه فقط قسمت‌های از آن‌ها پابرجا باقی مانده است. استحکامات قیزلار قلعه‌سی به شکل معماری سنگی خشکه‌چین بوده که به نوعی تداوم سنت معماری ساخت استحکامات عصر آهن در منطقه شمال غرب ایران محسوب می‌شود، با این حال برخی ویژگی‌های ساختاری آن‌را می‌توان با تعدادی استحکامات دوره اشکانی در منطقه مقایسه کرد. این مقاله نتایج بررسی مقدماتی باستان‌شناختی این قلعه است. براساس نتایج به دست آمده از این بررسی مشخص شد که قیزلار قلعه‌سی در عصر آهن (III-II) ایجاد شده و در دوره اشکانی به عنوان یکی از قلعه‌های مهم شمال غرب ایران (آتورپاتکان) کارکرد داشته است.

واژگان کلیدی: مراغه، قیزلار قلعه‌سی، هزاره اول ق.م، دوره اشکانی، استحکامات تدافعی.

مقدمه

با وجود آثار تاریخی فراوان شهرستان مراغه در دوران مختلف، تاکنون مطالعات محدودی درباره‌ی این حوزه فرهنگی در دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) ایران انجام گرفته است (سپهروند، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۳) با این حال در بررسی‌های باستان‌شناختی آثار و شواهدی از دوران اشکانی و ساسانی در این منطقه شناسایی (مجرد، ۱۳۸۸: ۱۶۳) و مورد مطالعه (ستارنژاد و پروین، ۱۳۹۷؛ Minorsky, 1944: 103) قرار گرفته است؛ بنابر وجود محوطه‌های مهمی از دوره‌ی اشکانی در منطقه آذربایجان، همچون قلعه زهاک هشتروود (Kleiss: 1973)، تخت سلیمان تکاب (ناومان، ۱۳۷۴)، گورخمره‌های گرمی (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷)، قلعه بختک ملکان (صدرایی، ۱۳۸۱)، قلعه ماه‌نشان زنجان (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۹)، کهنه‌پاسگاه (آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰)، تپه شتربان خداآفرین (رحیمی، ۱۳۹۶)، قیزیل‌قیه مشکین‌شهر (رضالو، ۱۳۹۷)، سوغانلوی پیرانشهر (بدیقی، ۱۳۹۸) تلویحاً جایگاه برجسته‌ی شهرستان مراغه در این برهه از تاریخ ایران را نشان می‌دهد. با این حال، هیچ‌گاه آن‌چنان باید، تاریخ و باستان‌شناسی مراغه در دوره‌ی تاریخی منطقه‌ی شمال‌غرب ایران شناسایی و بازسازی نگردیده است (ریس‌نیا، ۱۳۶۸: ۹۵۹).

قیزلار قلعه‌سی یکی از محوطه‌های مهمی که بالقوه می‌تواند ما را در فهم بهتر اهمیت مراغه در این برهه از تاریخ ایران یاری رساند، با این حال تاکنون مطالعات بسیار محدود و پراکنده‌ای راجع به این قلعه انجام گرفته است؛ بنابراین هیچ‌یک از مطالعات نتوانسته است به‌طور شایسته‌ای در فهم ما از اهمیت محوطه و چالش‌های باستان‌شناسی آن، مؤثر واقع

شود. پژوهش‌های صورت گرفته درباره‌ی این محوطه، بیشتر پیرامون مکان‌یابی قلعه رویین‌دژ و انطباق آن با این محوطه بوده است (بیگ‌باباپور و غلامیه، ۱۳۹۱: ۲۲). بخش عمده‌ای از این انطباق مبتنی بر نام‌جای رویین‌دژ در بلده مراغه در قرون میانی و متأخر اسلامی متکی بوده که براساس توصیفات صورت گرفته در منابع تاریخی (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۱۳؛ احمدرازی، ۱۳۹۰/۳)، امکان اثبات چنین فرضیه‌ای دور از ذهن به‌نظر می‌رسد. مطالعه داده‌های به‌دست آمده از بررسی باستان‌شناختی سطحی از قلعه، بررسی دقیق معماری و استفاده از متون تاریخی، رویکرد نوشته‌ی حاضر در پاسخ به این پرسش‌ها که قیزلار قلعه‌سی، در چه برهه‌ای از تاریخ ایران ایجاد شده و مهم‌ترین دوره‌های استقراری آن کدام است؟ بدین منظور در ادامه تلاش می‌شود، ضمن توصیف محوطه، بر اساس شواهد معماری، سفال‌های سطحی محوطه و بررسی متون تاریخی، مهم‌ترین دوره‌ی استقرار محوطه کشف و شناسایی گردد.

پیشینه پژوهشی

نخستین مطالعات محوطه‌ی قیزلار قلعه‌سی، مربوط به سال ۱۹۶۷ میلادی است. در این سال هیأت به سرپرستی محمود موسوی از تیم کاوش باستان‌شناختی رالف سولکی در غار دامنه‌ی قلعه چند گمانه باستان‌شناسی با هدف شناخت دوره‌ی پارینه‌سنگی منطقه ایجاد کرد (Solecki, 1969). رحمان احمدی ملکی در سال ۱۳۶۸ خورشیدی توصیف مختصری از این محوطه در مجله «باستان‌شناسی و تاریخ» چاپ کرد (احمدی ملکی، ۱۳۶۸)، مطالعات بعدی مربوط به چند دهه‌ی اخیر است، در این سال‌ها برخی از پژوهشگران محلی،

۹۰۰ متر (شرقی - غربی) است. دامنه‌های پشته در همه قسمت‌ها به صورت صخره‌ای بوده که در بخش‌های شمال شرقی و غرب شیب آن تقریباً عمودی و به شکل پرتگاه است (شکل ۲). یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب این بلندی برای ایجاد قلعه، وجود منابع آب در کنار محوطه و شکل طبیعی و مناسب این کوه که از سه جهت غیر قابل دسترس کرده است. سطح قلعه به صورت ناهموار بوده و شمار زیادی گودال ناشی از حفاری غیرمجاز به همراه مواد فرهنگی غنی شامل سفال، استخوان، زغال و خاکستر در بخش‌های مختلف محوطه، دیده می‌شود. به نظر می‌رسد در گذشته سطح محوطه را برای کشت محصول کشاورزی، شخم زده‌اند که امروزه شواهدی از محل شیار خیش باقی مانده است. در سطح قلعه در دوره قاجار و پهلوی ساخت و سازهایی ایجاد شده بود که به مرور زمان تخریب گردیده و امروزه آثار و شواهدی از آن باقی مانده است. قلعه تاریخی قیزلار قلعه‌سی (قلعه دختران) در سال ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۱۰۲۰۵ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

آثار و شواهد باستان‌شناختی قیزلار قلعه‌سی

باتوجه به اینکه در محوطه قیزلار قلاسی تاکنون کاوش باستان‌شناسی صورت نگرفته است؛ بنابراین تنها مدارک قابل اتکا برای گاهنگاری و تعیین عملکرد این محوطه، شواهد سطحی باقی مانده است. در طی بازدید علمی نگارندگان از محوطه قیزلار قلاسی آثار و شواهدی باستان‌شناختی در سطح محوطه شناسایی گردید که جایگاه مهمی در مطالعات قلعه مذکور دارد این آثار سطحی باقی مانده شامل قسمتی از استحکامات دفاعی قلعه، تأسیسات

این قلعه را با رویین‌دژ اشاره شده در متون تاریخی تطبیق کرده (بیگ‌باباپور و غلامیه، ۱۳۹۱) و برخی دیگر به توصیف کلی محوطه پرداخته‌اند (محمدزاده، ۱۳۹۷: ۳۹۷؛ عالم‌پور رجبی، ۱۳۸۳). همچنین در سال ۱۳۹۱ خورشیدی سجاد پوری بررسی سطحی از این محوطه انجام داد که نتایج اولیه آن در همایش منطقه‌ای سهند ارائه گردیده است (پوری و فیضی، ۱۳۹۱).

موقعیت جغرافیایی قیزلار قلعه‌سی

قیزلار قلعه در بخش مرکزی شهرستان مراغه، بر سطح کوه صخره‌ای نسبتاً مرتفع که در حاشیه رودخانه موردو چای (رودخانه مردق) قرار گرفته است. فاصله قلعه تا مراغه ۲۰ کیلومتر (عالم‌پور رجبی، ۱۳۸۳: ۷۳) و تا روستای لیلی داغ ۱/۵ کیلومتر است. راه دسترسی به قلعه از طریق جاده شوسه روستای تازه‌کند قره‌ناز به روستای لیلی داغی است. این محوطه در مختصات جغرافیایی طول ۳۷،۲۶۵۶۲۴۹۲ و عرض ۳۷،۲۵۳۹۷۰۱ حدود ۱۷۰۰ سانتی‌متری از سطح دریا قرار دارد (شکل ۱).

محوطه تاریخی قیزلار قلاسی بر سطح کوه صخره‌ای ایجاد شده است. قلعه از سه جهت با شیب تندی به دره‌های کم‌عرض پیرامون منتهی می‌شود. در سمت شرقی، شیب کوه کاسته شده و راه دسترسی به قلعه در این قسمت هموارتر است. چشم‌انداز اطراف محوطه، تپه ماهوری است که از سطح این تپه‌ماهورها برای کشت دیم استفاده می‌شود (احمدی ملک، ۱۳۶۸: ۵۲). پشته‌ای که قلعه بر سطح آن ایجاد شده، تقریباً به شکل مثلث بوده که بیشترین عرض قلعه ۴۵۰ متر (شمالی - جنوبی) و بیشترین طول آن

داخلی قلعه و یافته‌های فرهنگی به‌خصوص سفال است.

حصار دفاعی قیزلار قلعه‌سی

همان‌طور که اشاره شد قلعه بر بالای کوه صخره‌ای نسبتاً مرتفع قرار گرفته که از سه جهت دارای شیب نسبتاً تند و صخره‌ای است. این قلعه از نوع قلعه‌های کوهستانی بوده که وسعت قلعه تابعی از وضع طبیعی کوه بوده و هیچ‌گونه طرح معین و یکنواختی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود (پازوکی، ۱۳۷۲: ۳۷)، بنابراین ساختار قیزلار قلعه‌سی تابع توپوگرافی کوه بوده و استحکامات دفاعی متناسب با محوطه ایجاد شده است. کوه از سه جبهه به دره منتهی می‌شود با وجود این، ساکنان قلعه برای استحکام بیشتر و دفاع بهتر از قلعه، حصار سنگی دور تا دور قلعه ایجاد کرده‌اند. حصار شکل نامنظم دارد و به تبعیت از شکل طبیعی کوه ایجاد شده است. مصالح اصلی حصار لاشه‌سنگ از جنس بستر صخره‌ای محوطه است که در دو نوع خشکه‌چین و لاشه‌سنگ با ملاط آهک دیده می‌شود (شکل ۳). استفاده از شیوه‌های گفته شده، در بخش‌های مختلف قلعه متفاوت است و ویژگی‌های طبیعی محوطه و میزان نفوذپذیری به داخل قلعه بستگی دارد. چنانچه در جبهه غربی به دلیل شیب ملایم پشته، حصار از ملاط آهک ایجاد شده و سه جبهه دیگر که کوه شیب بسیار تندی دارد حصار به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده است (احمدی ملک، ۱۳۶۸: ۵۲).

دیوار سنگ‌چین جبهه شمالی به‌صورت خشکه‌چین با سنگ‌های بزرگ در اندازه‌های مختلف که ابعاد برخی از سنگ‌ها $۹۰ \times ۶۰ \times ۴۰$ یا $۷۰ \times ۵۰ \times ۴۰$ سانتی‌متر (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۵: ۲۷) است

(شکل ۳). سنگ‌ها بیشتر با فرم مکعبی بوده و تراش جزئی در آن محسوس است. در این روش سنگ‌ها همان‌طور که از معدن استخراج می‌شده‌اند، در ساخت و احداث بناها مورد استفاده قرار گرفته‌اند و یا رویه بیرونی آن‌ها را کمی تراش داده و برای پر نمودن فضاهای خالی و حفره‌های نسبتاً بزرگ میان سنگ‌ها از سنگ‌های کوچک‌تر استفاده شده است. این نوع چیدمان متعلق به اوایل دوره اورارتو بوده و در طی سه قرن امپراطوری شاهد استفاده از این سبک معماری هستیم (نوبری هژبری، ۱۳۷۸: ۴). نمونه‌های از این قبیل معماری در محوطه قلعه زهاک هشترود (قندگر، ۱۳۸۲: ۸۷-۹۲)، قلعه جوشاطو و گوور قلعه (علیزاده و فیروزمندی، ۱۳۹۲: ۱۰۵)، گویجه قلعه (ناصری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۱) و غیره قابل مشاهده است.

در جبهه جنوبی و جنوب‌شرقی که امروزه محل اصلی ورود به قلعه است؛ دیوار خشکه‌چین با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای و لاشه‌سنگ در ابعاد مختلف ایجاد شده است. دیوار مذکور نسبت به دیوار حصارهای جبهه شمالی از استحکام پایینی برخوردار بوده به‌طوری که سنگ‌ها بدون تراش و شکل هندسی منظم ندارند. به‌نظر می‌رسد استحکامات این قسمت از محوطه تخریب شده و در دوره‌های بعد (احتمالاً اشکانی) با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای حصار ایجاد شده است (شکل ۴) ساختار این حصار بسیار شبیه به ساختارهای دفاعی قلعه‌های اشکانی همچون قلعه زهاک هشترود (قندگر، ۱۳۷۹: ۱۱)، قلعه قشلاق ماه‌نشان زنجان (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۹) و قیزیل‌قیه مشکین‌شهر (رضالو، ۱۳۹۷) است.

معماری صخره‌ای قیزلار قلعه‌سی

در برخی از قسمت‌های محوطه به‌خصوص جبهه غربی فضاهای دستکند در داخل صخره ایجاد شده است. این فضاهای صخره‌ای در فرم‌های پلکان، سکو، فنجان‌نما^۱ و فضاهای متفرقه بوده و ابعاد و اندازه‌های مختلف دارند که از میان تأسیسات داخلی قلعه، فضاهای صخره‌ای سالم‌تر باقی‌مانده و این آثار دستکند صخره‌ای نقش ارتباطی در داخل قلعه را داشته‌اند (احمدی ملک، ۱۳۶۸: ۵۲) به‌طوری که در جبهه غربی به‌دلیل شیب ملایم، با ایجاد پله‌های دستکند صخره‌ای امکان ارتباط بین فضاها امکان‌پذیر شده است (شکل ۵). پلکان‌های ایجاد شده از نظر سبک تراش و شکل ظاهری با پلکان‌های صخره‌ای گویجه قلعه (Sattarnezhad et al, 2020)، ساری‌قیه مراغه (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷)، برده کُتته مهاباد (اسمعیلی، ۱۳۹۲: ۹۶) دارد که در عصر آهن (II-III) و غیره ایجاد شده‌اند.

دیوار خشتی قیزلار قلعه‌سی

در جبهه شمال‌غربی این محوطه، آثاری از یک دیوار به‌دست آمده که متفاوت از دیواره‌های دفاعی دور محوطه است. این ساختار مربوط به بخشی از یک دیوار عظیم و قطور می‌باشد که با استفاده از خشت‌های بزرگ و با پی سنگی ایجاد شده است (تصویر). جهت این دیوار شرقی - غربی و طول باقی‌مانده در حدود ۴ متر و عرض آن ۳ متر و ارتفاع باقی‌مانده ۹۰ سانتی‌متر است. ابعاد خشت‌های به‌کار رفته در این دیوار، ۸×۴×۰٫۴ سانتی‌متر بود. شاموت به‌کار رفته در این خشت‌ها، کاه و سنگ‌ریزه بوده و به‌دلایل مختلف خشت‌ها دارای بافت نسبتاً سست

هستند. رنگ خشت‌ها به‌صورت قهوه‌ای تیره می‌باشد. خشت‌ها به‌صورت چفت و بست بر روی هم چیده و مابین آن‌ها نیز یک ملاط ۱ الی ۳ سانتی‌متری استفاده شده است. در این دیوار خشتی در حدود ۸ رج از خشت‌ها شناسایی گردید و به‌نظر می‌رسد تعداد رج‌ها و به تبع آن ارتفاع دیواره نیز بلندتر بوده است. پی این دیوار با استفاده از قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای ایجاد شده که از دره پایین دست محوطه برداشت گردیده است (شکل ۶)، به‌نظر می‌رسد این دیوار در ارتباط با برجکی بوده که در گوشه شرقی محوطه قرار داشته که شناسایی کامل برجک و سایر سازه‌های این قسمت و فهم کاربری آن‌ها مستلزم کاوش باستان‌شناختی است. خشت‌های به‌کار رفته در ساختار محوطه قابل مقایسه با خشت‌های محوطه‌های اشکانی تپه گل محله (فلاح، ۱۳۸۹)، کهنه‌پاسگاه (آقالاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰: ۱۸)، قیزیل‌قیه مشکین‌شهر (رضالو، ۱۳۹۷) و قلعه بختک ملکان (عبدی، ۱۳۹۳: ۵۷) است.

غار طبیعی دامنه شرقی قیزلار قلعه‌سی

در دامنه جبهه شرقی محوطه، غاری طبیعی قرار دارد. دهانه غار رو به سمت دره مقابل و در دامنه کوه واقع شده است. طول غار مجاور قلعه قیزلار قلعه‌سی، حدود ۳۵ متر، عرض آن ۲۴ متر و ارتفاع آن حدود ۲۰ متر بوده (عالم‌پور رجبی، ۱۳۸۳: ۷۳) و سطح دیواره‌های آن آثار دود زدگی قابل مشاهده است. این غار توسط هیأت به سرپرستی محمود موسوی با هدف شناسایی آثار از دوره پارینه‌سنگی مورد کاوش قرار گرفت (سولکی، ۱۳۷۸). سطح غار به‌صورت نامنظم بوده و حفاری غیرمجاز در کف غار دیده

¹- Cup marcks

با نمونه‌های مطالعه شده از محوطه اولتان قلعه‌سی مغان (Alizadeh, 2011: 68)، قابل مقایسه است.

گاهنگاری و ملاحظات تاریخی

محوطه قیزلار قالاسی (به اعتقاد نگارندگان) می‌تواند مهم‌ترین محوطه در ارتباط با شناسایی و مطالعات دوره تاریخی به‌خصوص اشکانی دامنه‌های جنوبی کوهستان سهند باشد. دورانی که در مطالعات تاریخ مراغه بسیار مبهم بوده و اطلاعات اندکی پیرامون آن در دست است. بحث و گاهنگاری محوطه در این مقاله، بر مدارک و مستندات باستان‌شناختی همچون سفال، ابعاد خشت و معماری استوار است که حاصل بررسی سطحی محوطه می‌باشد که در نهایت با کاوش‌های علمی می‌توان برخی فرضیه‌ها را رد و برخی دیگر را قبول کرد؛ بنابراین براساس بررسی‌های سطحی قلعه و مطالعه یافته‌های باستان‌شناختی محوطه و مقایسه آن‌ها با محوطه‌های همجوار احتمالاً استقرار در این محوطه از دوره آهن II-III آغاز شده و تا دوره اسلامی مورد استفاده بوده است؛ با این حال به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین دوره استقرار قلعه مربوط به دوران اشکانی است.

باتوجه به سبک‌شناختی معماری صخره‌ای و برخی از دیواره‌های خشکه‌چین محوطه می‌توان عنوان کرد که این محوطه در هزاره اول ق.م. به‌عنوان یکی از پایگاه‌های مهم مراغه بوده که این دوره مصادف با اورارتو و مانا در منطقه است. در این دوره استحکامات دفاعی قلعه شکل گرفته که این استحکامات به‌صورت بلوک‌های سنگی منظم تراش‌خورده است. این نوع سنگ‌چین از مشخصه‌های عصر آهن منطقه شمال‌غرب ایران (Khatib Shahadi & Biscione, 2007: 33)،

است که در محوطه‌های همچون چاووش تپه و قلعه

می‌شود. بر همین اساس کف غار نهشته‌های فرهنگی انباشت شده و در آن می‌توان لایه‌های تاریخی شناسایی کرد.

سفال سطحی قیزلار قلعه‌سی

فراوان‌ترین یافته سطحی به دست آمده از قیزلار قلعه‌سی، سفال است. پراکندگی سفال در تمام سطح محوطه دیده می‌شود اما بیشترین میزان پراکندگی، در اطراف گودال‌های ایجاد شده توسط حفاران غیرمجاز دیده می‌شود. در سال ۱۳۹۱ خورشیدی بیشتر سفال‌های محوطه برای مطالعه جمع‌آوری شده که نتایج آن در قالب پایان‌نامه کارشناسی رشته باستان‌شناسی ارائه شده است (نک به. سجاد پوری، ۱۳۹۱). طی بررسی سطحی محوطه توسط نگارندگان، تکه سفال‌های مربوط به عصر آهن II و III، دوره اشکانی، ساسانی و اسلامی (قرون میانی و متاخر) شناسایی شد (شکل ۷). بیشترین حجم سفال متعلق به سفال‌های اشکانی است. سفال‌های اشکانی این محوطه به‌صورت عمدتاً چرخ‌ساز بوده و شاموت آن معدنی است (جدول ۱) این سفال‌ها در طیف رنگی قهوه‌ای روشن و تیره، قرمز و نخودی بوده که با نمونه سفال‌های محوطه قلعه زهاک هشتروند (قندگر، ۱۳۸۲؛ 184-185؛ Kleiss, 1973: 185)، بیستون کرمانشاه (158-168؛ Kleiss, 1970: 168)، قلعه بختک ملکان (عبدی و واحدی، ۱۳۹۵: ۵۸۴-۵۹۴)، قلعه ماه‌نشان زنجان (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۹)، کهنه پاسگاه (آق‌لاری و ده‌پهلوان، ۱۳۹۰) قابل مقایسه است. در میان سفال‌های مطالعه شده از سطح محوطه، یک قطعه سفال ساسانی نیز شناسایی گردید که این قطعه سفال

دورهٔ منوآ صورت گرفته است (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۴). بر اساس سنگ‌نوشته‌های ظفرنامه‌ای و قلاعی از دورهٔ اورارتو (مانند کتیبه داش‌تپه متعلق به منوآ)، در آرسلان‌تپه و شیطان‌تپه، شهرستان میاندوآب و داش‌قلعه، جوان‌قلعه و کتیبهٔ متعلق به آرگیشتی اول (۷۸۶ تا ۷۶۴ ق.م.) در این منطقه شناسایی شده که نشان از پیروزی مقطعی آن‌ها (اورارتو)، بر این مناطق دارد (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۶)؛ اما در سال ۷۱۴ ق.م؛ یعنی هشتمین سال سلطنت سارگن دوم آشوری، وی ارتش خویش را علیه کشورهای شرق دریایچه ارومیه وارد جنگ کرد که پس از شکست لشکریان اورارتو از آشور در ایالت اویش‌دیش، سارگن در طول ساحل شرقی دریایچهٔ ارومیه به داخل کشور اورارتو نفوذ کرد (پیتروفسکی، ۱۳۸۳: ۱۶۱)؛ بنابراین قلعه مذکور (قیزلارقالاسی) در این برهه مورد تهاجم قرار گرفت و آسیب زیادی دیده است.

در دورهٔ اشکانی این محوطه مجدد مورد استفاده قرار گرفت. در این دوره، محوطه قیزلارقالاسی با عنوان یکی از مهم‌ترین محوطه‌های منطقه، جایگاه استراتژیکی در این برهه از تاریخ ایران دارد. با توجه به اینکه دولت اشکانی به صورت دولت‌های کوچک فئودالی بوده که هر یک سعی در حفظ خودمختاری خود داشته‌اند (پیگولوسکایا، ۱۳۶۸: ۸۵) بنابراین منطقهٔ شمال‌غرب ایران در این دوره، بخشی از ایالت نیمه مختار آتروپاتن بوده است (Rawlinson, 1840). ماد آتروپاتن سرزمینی است که نام خود را از سرداری بنام، آتروپاتس گرفته است (Jones, 1954: 303). افراد این دودمان تا اوایل سده اول میلادی به حکومت موروثی خود بر آذربایجان ادامه دادند (ریس‌نیا، ۱۳۶۸: ۳۴۲). ولی

گاوور (علیزاده و فیروزمندی، ۱۳۹۲)، گویچه قلعه (ناصری صومعه و همکاران، ۱۳۹۴) دیده می‌شود؛ بنابراین سبک معماری عصر آهن منطقه شمال‌غرب در این محوطه وجود دارد.

طبق اسناد باستان‌شناختی، منطقهٔ جنوب‌شرق دریایچهٔ ارومیه؛ شامل دشت‌های مراغه، عجب‌شیر، بناب و میاندوآب در برهه‌ای از تاریخ، بین اواخر قرن نهم ق.م. تا اواسط قرن هشتم ق.م. در کشوقوس رقابت‌های منطقه‌ای برای تسلط بر آن، بین دولت‌های مانا و اورارتو و دخالت‌های آشور قرار گرفته است؛ بنابراین در بازه زمانی قرون ۸ و ۹ ق.م. مراغه جزئی از ایالت پادشاهی مانا به نام «اویش‌دیش» بوده است (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۲۵۸)؛ که نام این ایالت تنها در گزارش‌های سارگن دوم آشوری آمده است. بر اساس لشکرکشی هشتم سارگن آشوری، اویش‌دیش منطقه‌ای از کشور مانا که اورسا آن را از آن خود کرده بود با آبادی‌های بسیار که چون ستارگان بی‌شمار بودند (پیتروفسکی، ۱۳۸۳: ۱۶۰). در این مقطع زمانی کوه سهند را «اوآئوش» خوانده می‌شد (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۲۶۱). بر این اساس تعداد زیاد آبادی‌ها و باغات منطقه مراغه و مطابقت آن با توصیف صورت گرفته، جایابی مذکور را تأیید می‌کند. البته شهرستان‌های بناب، ملکان و عجب‌شیر نیز احتمالاً شامل این ایالت می‌شده است (مُلازاده، ۱۳۸۳: ۱۷۵). منوآ پس از تسخیر سکونتگاه مانا در داش‌تپه آن را به یک پادگان نظامی تبدیل می‌کند و سواره‌نظام وی در این مکان استقرار می‌یابد. وی بعدها به کمک این پادگان سرزمین‌های شرقی مانا را تا بخش شرقی دشت میاندوآب فتح می‌کند. احتمالاً تسخیر قلعه نظامی گویچه‌قلعه و تبدیل آن به پادگان نظامی اورارتو در

نتیجه گیری

در قالب یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان دوره شکل‌گیری محوطه قیزلارقالاسی را از عصر آهن II و III دانست که در این دوره استحکامات خشکه‌چین دفاعی و معماری صخره‌ای در سطح محوطه ایجاد شده است. این محوطه در دوره اشکانی با عنوان یک محوطه سکونتگاهی - استحفاظی مجدد مورد استفاده قرار گرفته و برخی تعاملات فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود دیده است. با وجود این به دلیل کمبود مواد فرهنگی در دوره اشکانی، مواد فرهنگی این محوطه، اعم از سفال، معماری و غیره می‌تواند به خوبی بخشی از خلاء مادی و فرهنگی مراغه در این دوره را پوشش دهد؛ بنابراین به طور کلی، این محوطه را می‌توان به عنوان یکی از کلیدی‌ترین محوطه‌های اشکانی منطقه آذربایجان ایران به شمار آورد که با حوادث تاریخی دوره اشکانی ارتباط تنگاتنگی دارد. باشد که در آینده با انجام کاوش باستان‌شناسی در این محوطه شاهد داده‌های بهتر و غنی‌تر از این دوره و در نتیجه روشن‌تر شدن وضعیت منطقه در دوره اشکانی و حتی قبل‌تر از آن به خصوص هزاره اول ق.م. باشیم.

پی‌نوشت

- قزوینی در کتاب آثار البلاد اخبار العباد درباره قلعه رویین‌دژ چنین می‌نویسد: «... قلعه‌ای است در غایت متانت در سه فرسنگی مراغه مثل به متانت و حصانت این قلعه زنند. طرف راست این قلعه، نه‌ری است و در قلعه، باغی است که او را عمیدآباد گویند و آب، همیشه از زیر این باغ جاری باشد. در کنار این قلعه، کوهی است و در آن کوه، چشمه‌ای است که آب بسیار دارد و آن چشمه، میان قلعه آید و آب آن قلعه

پس از مرگ مهرداد دوم، تیگران دوم پس از تصرف سراسر شمال بین‌النهرین، آتروپاتن را نیز مطیع خویش ساخت (دیاکونوف، ۱۳۴۴: ۵۹). اشکانیان پس از استقرار نظم داخلی و تحکیم حکومت خود در زمان مهرداد دوم سرزمین ارمنستان را به قلمرو خود ضمیمه کرد (بیوار، ۱۳۸۳: ۱۴۲) که این اقدام، آغاز درگیری‌های مداومی میان ایران و روم بر سر دستیابی به ارمنستان بود؛ چنان‌که این سرزمین پس از آن میان ایران و روم دست‌به‌دست می‌شد (طلایی و ملکی، ۱۳۹۶: ۸۶۴). به طوری که این منطقه در دوره اشکانی مورد هجوم روم قرار گرفت. در بهار ۳۶ ق.م. آنتوان به سوی پراسپه تخت‌گاه آتروپاتن لشکرکشی و این شهر را محاصره کرد (کالج، ۱۳۸۸: ۵۹)؛ اما شتابزدگی آنتونی در تصرف آتروپاتن و همچنین حمله اشکانیان به بخشی از سپاه او به رهبری فرهاد چهارم و مقاومت ساکنان فرآسپه موجب شد تا آنتونی دست از محاصره شهر بردارد و عقب‌نشینی کند (پلوتارک، ۱۳۴۶: ۴۰۲)؛ بنابراین در این دوره با ایجاد استحکامات دفاعی عظیم سعی در مقابله با تهاجمات صورت گرفته به منطقه ضروری به نظر می‌رسید. محوطه قیزلار قلعه‌سی با دیوارهای دفاعی بزرگ و موقعیت مکانی خاص خود به عنوان یکی از محوطه‌های شاخص منطقه شمال‌غرب ایران نقش بسزایی در مقابله با یورش‌های گاه و بی‌گاه (رومی‌ها؟!) داشته است. این قلعه در دوره اسلامی به خصوص قرون میانی و متأخر مجدد مورد استفاده قرار گرفته است و بناهای گلی در سطح آن ساخته می‌شود امروزه تنها بقایایی از پی‌های سنگی این آثار باقی‌مانده است (شکل ۸).

- از آن چشمه باشد و این قلعه از غایت حصانت، همیشه صاحبش بر والی مراغه، یاغی باشد» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۱۳) بنابراین بر اساس توصیف قزوینی از رویین دژ، قیزلاقعه‌سی مراغه نمی‌تواند رویین دژ باشد.
- توپونیم واژه قیز به معنای دختر در اسامی برخی از پل‌ها و قلعه‌های مناطق ترک‌نشین باقی‌مانده است فرضیه‌های زیادی پیرامون این نام‌گزینی وجود دارد با این حال چرایی انتخاب این نام برای این آثار مشخص نیست.
- منابع:**
- آقالاری، بایرام و مصطفی ده‌پهلوان، ۱۳۹۰، شاخصه‌های فرهنگی شمال‌غرب ایران در دوره اشکانی با نگاهی به یافته‌های فصل دوم تپه کهنه پاسگاه تپه‌سی، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۵-۴۳.
- ابراهیمی، قادر، ۱۳۹۶، سنگ‌نوشته‌های اورارتویی ایران، تبریز: پروژه ترجمه حسنلو.
- احمدی ملک، رحمان، ۱۳۶۸، قلعه دختران، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۲، صص ۵۲-۵۴.
- اسمعیلی، عبدالکریم، ۱۳۹۲، تحلیل در معماری صخره‌ای و سفال عصر آهن III شمال‌غرب ایران مطالعه موردی تپه برده کتته واقع در شهرستان مهاباد، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- بیگ‌باباپور، یوسف و مسعود غلامیه، ۱۳۹۱، رویین دژ، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای سهند - خداجو، به کوشش مهران بهارتاش، دانشگاه پیام نور، قم.
- بیوار، اد. ه، ۱۳۸۳، تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانی، تاریخ ایران، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد ۳، قسمت اول، تهران: امیرکبیر.
- پازوکی، ناصر، ۱۳۷۲، بناهای دفاعی ایران، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۱، صص ۷۰-۵۷.
- پلوتارک، ۱۳۶۴، حیات مردان نامی، ترجمه محمدرضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- پوری، سجاد و بابک فیضی، ۱۳۹۱، توصیف مقدماتی قلعه دختر مراغه، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای سهند - خداجو، به کوشش مهران بهارتاش، قم: مجمع‌الذخایر اسلامی.
- پوری، سجاد، ۱۳۹۱، مطالعه قلعه دختر مراغه، پایان‌نامه کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد مهاباد، منتشر نشده.
- پیگولوسکایا، ۱۳۶۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی فرهنگی.
- پیوتروفسکی، بوریس، ۱۳۸۳، تمدن اورارتو، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: اندیشه نو.
- حسین طلایی، پرویز و محمد ملکی، ۱۳۹۶، پیامدهای صلح رانندیا تهاجم تریان و جانشینان او به ارمنستان، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی، سال ۵۳، سال ۹، صص ۱۶۳-۱۷۶.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلویچ، ۱۳۴۵، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی فرهنگی.
- دیاکونوف، م. ۱۳۴۴، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- رازی، امین احمد، ۱۳۹۰، تذکره هفت اقلیم، تصحیح سیدمحمد رضاطاهری، جلد ۳، چاپ ۲، تهران: سروش.

- علی اف، اقرار، ۱۳۷۸، تاریخ آتورپاتکان، ترجمه شادمان یوسف، تهران: نشر بلخ.
- رضالو، رضا، ۱۳۹۷، گزارش نهایی کاوش قیزلار قلعه‌سی مشکین شهر، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- سپهروند، مجید، ۱۳۸۱، مراغه در سیر تاریخ، تبریز: انتشارات احرار.
- ستارنژاد سعید و صمد پروین، ۱۳۹۷، معرفی گاهنگاری و تعیین عملکرد معماری صخره‌ای پیرهاشم روستای ورجوی مراغه، باستان‌شناخت، شماره ۶، دوره ۴، صص ۷-۲۵.
- ستارنژاد، سعید و کریم حاجی‌زاده باستانی و سیاوش عبدالهی، ۱۳۹۷، مطالعه و بررسی باستان‌شناختی معماری صخره‌ای روستای ساری‌قیه شهرستان مراغه، باستان‌شناسی ایران، دانشگاه شوشتر، صص ۸۳-۱۰۴.
- سولکی، رالف، ۱۳۷۸، بررسی‌های باستان‌شناختی در آذربایجان غربی، مجموعه مقالات باستان‌شناسی و هنر ایران ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان، مؤلفان صادق ملک شه‌میرزادی، یوسف مجیدزاده، عباس علیزاده، تهران: نشر دانشگاهی.
- صداری، علی، ۱۳۸۱، گزارش باستان‌شناسی قلعه بختک، پژوهشکده میراث فرهنگی، تهران.
- عالم‌پور رجیبی، مسعود، ۱۳۸۳، میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان شرقی، تبریز: احساس.
- عبدی، سرور و مرتضی واحدی، ۱۳۹۵، مطالعه و مقایسه سفال‌های قلعه بختک لیلان با مناطق همجوار، مجموعه مقالات همایش سفال و باستان‌شناسی، به کوشش حسین علیزاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه.
- عبدی، سرور، ۱۳۹۳، مطالعه گاهنگاری قلعه بختک لیلان با روش تحلیل تطبیقی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند.
- علی اف، اقرار، ۱۳۷۸، تاریخ آتورپاتکان، ترجمه شادمان یوسف، تهران: نشر بلخ.
- علیزاده، حسن و بهمن فیروزمندی، ۱۳۹۲، معماری نظامی مانا، مجله پیام باستان‌شناس، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۹۳-۱۰۶.
- فلاح، میثم، ۱۳۸۹، تپه گل محله شواهدی از یک قلعه اشکانی در جلگه مازندران، پژوهش‌های باستان‌شناسی، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۳۶-۱۴۵.
- قزوینی، ذکریا، ۱۳۷۳، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قندگر، جواد، ۱۳۷۹، گزارش مقدماتی فصل اول کاوش قلعه زهک، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- قندگر، جواد، ۱۳۸۲، گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه زهک، تبریز: میراث فرهنگی و گردشگری.
- کالج، مالکوم، ۱۳۸۸، اشکانیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات هیرمند.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۷، گورخمره‌های اشکانی، پیوست مجله باستان‌شناسی و تاریخ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجرد، الناز، ۱۳۸۸، تحلیلی بر استقرارهای انسانی دامنه‌های کوه سهند با استناد به یافته‌های باستان‌شناختی با تمرکز بر شهرستان مراغه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد ابهر، منتشر نشده.
- محمدزاده، اصغر، ۱۳۹۷، دارالملک مراغه، تهران: اوحدی.
- ملازاده، کاظم و مریم محمدی، ۱۳۸۵، قلاع و استحکامات، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.

Research in Medieval Culture and Art
Vol. VII, No. 1.

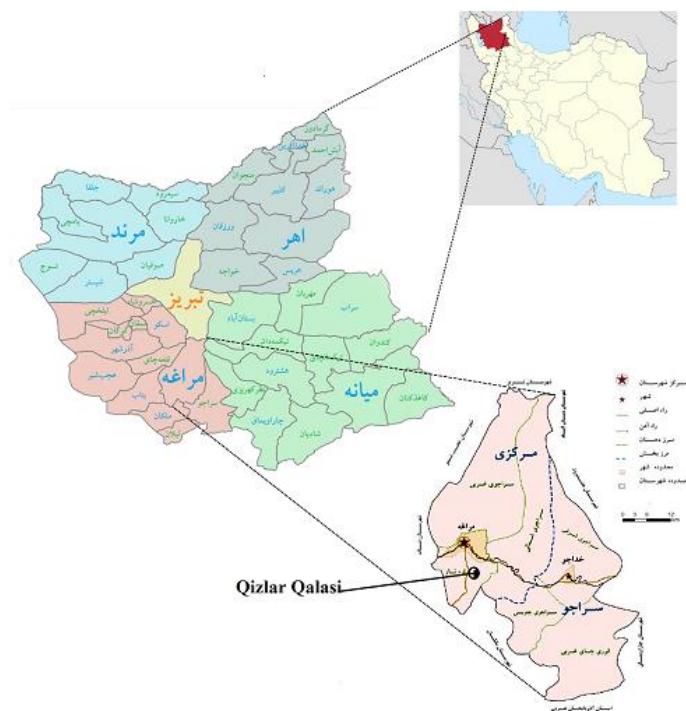
- ملازاده، کاظم، ۱۳۸۳، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی مانا، پایان نامه دکتری باستان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
 - ناصری صومعه، حسین و بهمن فیروزمندی و محسن سعادت، ۱۳۹۴، مطالعه و بررسی باستان شناختی گویجه قلعه مراغه، مطالعات باستان شناسی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۶۴.
 - ناومان، رودلف، ۱۳۷۴، ویرانه های تخت سلیمان و زندان سلیمان، برگردان فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
 - نوبری هژپری، علیرضا، ۱۳۷۸، نگاهی جدید به معماری دفاعی اورارتو، مجله مدرس، شماره ۴، صص ۱-۳۸.
- Alizadeh, K., 2011. Ultan Qalasi: A Fortified Site in the Sasanian Borderlands (Mughan Steppe, Iranian Azerbaijan). *Iran*, 49(1), pp.55-77.
- Biscione, R. and Khatib-Shahidi, H., 2007. Italian-Iranian archaeological survey in Eastern Azerbaijan. Provisional report on the 2006-1385 field season. In *Archaeological Reports (7) on the occasion of the 9th Annual Symposium on Iranian Archaeology* (Vol. 1, pp. 25-34).
- Kleiss, W., 1970. Zur topographie des Partherhanges in Bisutun, Band. 3: 133-168.
 - -----, 1973. Qal'eh Zohak in Azerbaidjan. *AMI, NS*, 6, pp.163-88.
 - Rawlinson, H.C., 1840. Memoir on the site of the Atropatenian Ecbatana. *The Journal of the Royal Geographical Society of London*, 10, pp.65-158.
- Saeid Sattarnejad, Samad Parvin, Maryam Mastalizadeh., 2020, *Stylistics Study of Gowijeh Qaleh's Rock-cut Tomb; Maragheh*, Anastasis.

جدول ۱- مشخصات برخی از سفال‌های سطحی قیزلار قالاسی مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

توضیحات	تزیینات	قطر دهانه یا کف به سانتی متر	میزان پخت	پوشش بیرونی	پوشش درونی	رنگ سطح بیرون	رنگ خمیره	رنگ سطح درون	کیفیت ساخت سطح بیرون	کیفیت ساخت سطح درون	شاموت	نوع ساخت	نوع قطعه	شماره ردیف
	-	16	کافی	گلی غلیظ	گلی رقیق	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	متوسط	متوسط	ذرات آهک- میکای طلائی	چرخ ساز	لبه	1
		24	کافی	لعاب سبز و زرد رنگ	لعاب سبزرنگ	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	متوسط	متوسط	ماسه ریز	چرخ ساز	لبه	2
		24	کافی	لعاب زرد متمایل به سبز	لعاب سبزرنگ	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	متوسط	متوسط	ماسه ریز	چرخ ساز	لبه	3
		22	کافی	گلی رقیق	گلی رقیق صیقل جزئی	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	خشن	خشن	ماسه متوسط	چرخ ساز	لبه	4
	-	20	کافی	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	چرخ ساز	لبه	5
	-	4	کافی	گلی رقیق صیقل جزئی	گلی رقیق- صیقل جزئی	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	ظریف	ماسه ریز	چرخ ساز	لبه	6
			ناکافی	گلی رقیق	گلی رقیق صیقل جزئی	قهوه ای تیره	خاکستری	قهوه ای روشن	خشن	متوسط	ماسه متوسط میکای طلائی	دست ساز	دسته	7

نقوش کنده افزوده ضربداری	دارد	-	ناکافی	گلی رقیق صیقل جزیی	گلی رقیق صیقل جزیی	نخودی	قهوه ای روشن	نخودی	خشن	خشن	ماسه متوسط میکای طلایی	چرخ ساز	بدنه	8
نقش افزوده باخطوط کنده	دارد	-	ناکافی	گلی رقیق صیقل جزیی	گلی رقیق صیقل جزیی	قهوه ای روشن	قهوه ای تیره روشن	قهوه ای روشن	خشن	متوسط	ماسه متوسط و میکا	چرخ ساز	بدنه	9
نقوش افزوده طنابی	دارد	-	کافی	گلی رقیق صیقل جزیی	گلی رقیق صیقل جزیی	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	قهوه ای روشن	متوسط	خشن	ماسه متوسط	چرخ ساز	بدنه	10
-	-	-	کافی	گلی غلیظ صیقل کامل	گلی غلیظ صیقل کامل	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	ظریف	ظریف	ماسه متوسط میکای طلایی	چرخ ساز	بدنه	11
نقوش شانه ای در سطح بیرونی سفال	دارد	-	کافی	گلی رقیق صیقل جزیی	گلی رقیق صیقل جزیی	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	چرخ ساز	بدنه	12
لعاب سبز رنگ با نوارهای هاشوری در سطح درونی	دارد	-	کافی	گلی رقیق صیقل جزیی	لعاب سبز رنگ جزیی	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	ظریف	ظریف	ماسه ریز	چرخ ساز	بدنه	13
-	-	-	کافی	گلی غلیظ صیقل کامل	گلی رقیق صیقل جزیی	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	قهوه ای تیره	ظریف	متوسط	ماسه متوسط	چرخ ساز	بدنه	14
لعاب سبز با خال سیاه	دارد	-	کافی	لعاب سبز رنگ	لعاب سبز رنگ	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	ظریف	ماسه ریز	چرخ ساز	بدنه	15

در هر دو سطح														
			کافی	گلی رقیق صیقل جزیبی	لعاب سبز رنگ	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	چرخ ساز	بدنه	16



شکل شماره ۱- موقعیت جغرافیایی محوطه قیزلار قلعه‌سی مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۹)



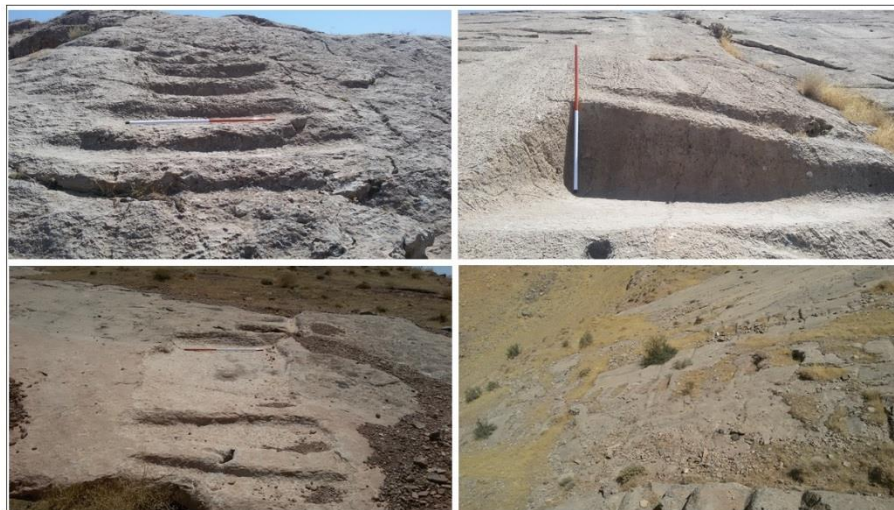
شکل ۲- درونمایی از قلعه، دید از جنوب غربی (نگارندگان، ۱۳۹۹)



شکل ۳- قسمتی از دیواره‌های خشکه‌چین بخشی از حصار قلعه (نگارندگان، ۱۳۹۹)



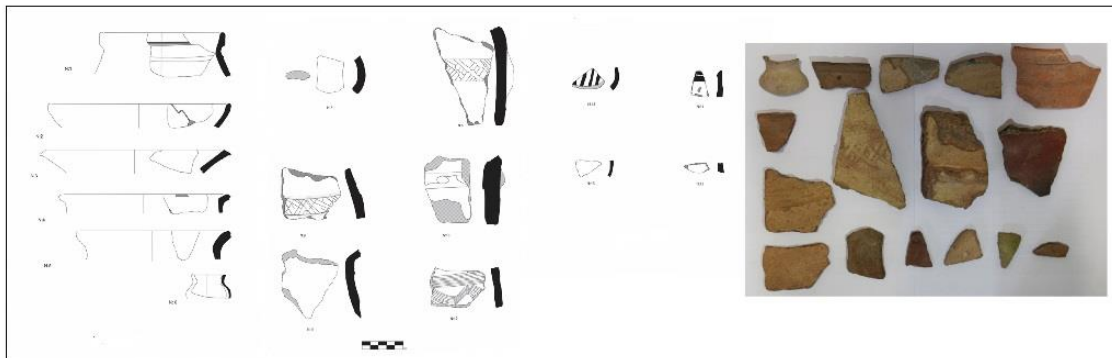
شکل ۴- قسمتی از حصار خشکه‌چین قلعه (نگارندگان، ۱۳۹۹)



شکل ۵- قسمتی از آثار دستکند صخره‌ای قیزلار قالاسی (نگارندگان، ۱۳۹۹)



شکل ۶- دیوار خشتی باقی مانده قیزلار قالاسی (نگارندگان، ۱۳۹۹)



شکل ۷- برخی از سفال‌های سطحی محوطه قیزلار قلاسی (نگارندگان، ۱۳۹۹)



شکل ۸- بناهای دوره متأخر اسلامی (فیروز ابراهیم‌پور)